



از اهدای دارایی تا حل مسائل اجتماعی، بازتعریف الگوی مشارکتی وقف

الگوی مشارکت‌های مردمی در توسعه وقف باید بر این فرض بنا شود که مردم تنها «اهدانکننده» یا «واقف» نیستند، بلکه می‌توانند در نقش سیاست‌یار، ناظر اجتماعی، سرمایه‌گذار نقش ایفا کنند.

الگوی مشارکت‌های مردمی در توسعه وقف باید بر این فرض بنا شود که مردم تنها «اهدانکننده» یا «واقف» نیستند، بلکه می‌توانند در نقش سیاست‌یار، ناظر اجتماعی، سرمایه‌گذار نقش ایفا کنند.

یادداشت مهمان_مهدی منصوری، معاون دفتر ریاست سازمان اوقاف و امور خیریه: وقف در عصر معاصر، بیش از آنکه یک عمل خیرخواهانه فردی باشد، نیازمند گذار از الگوهای سنتی و دارایی محور به سمت مدل‌های مشارکتی، مسئله محور و حرفه‌ای است. مهدی منصوری در این نوشتار، با تحلیل ابعاد نهادی، اقتصادی، اجتماعی و فناورانه، الگویی نوین را ترسیم می‌کند که در آن مردم نه تنها «واقف»، بلکه شریکان استراتژیک در حکمرانی و توسعه پایدار جامعه هستند.

وقف در سنت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، صرفاً یک عمل خیرخواهانه فردی نیست؛ بلکه نهادی اجتماعی برای تبدیل دارایی‌های خصوصی به منفعت عمومی پایدار است. تفاوت وقف با بسیاری از اشکال کمک‌رسانی مقطعی در این است که وقف می‌تواند دارایی، سرمایه، زمین، ملک، دانش، مهارت، اعتبار اجتماعی و حتی ظرفیت شبکه‌ای افراد را در قالبی ماندگار برای حل مسائل عمومی سازمان‌دهی کند. از این منظر، توسعه بخش وقف بدون مشارکت مردم، به ویژه مشارکت آگاهانه، سازمان‌یافته، شفاف و مسئله‌محور، امکان‌پذیر نیست. وقف زمانی می‌تواند به نهادی اثرگذار در توسعه اجتماعی و اقتصادی تبدیل شود که از وضعیت سنتی، محدود، دارایی‌محور و بعضاً غیرشفاف، به الگویی نوین، مشارکتی، قابل اعتماد، حرفه‌ای و نتیجه‌محور حرکت کند.

الگوی مشارکت‌های مردمی در توسعه وقف باید بر این فرض بنا شود که مردم تنها «اهدانکننده» یا «واقف» نیستند، بلکه می‌توانند در نقش سیاست‌یار، ناظر اجتماعی، سرمایه‌گذار خیرخواه، داوطلب تخصصی، ایده‌پرداز، بهره‌بردار، ارزیاب و شریک نهادی وقف نیز حضور داشته باشند. در این نگاه، توسعه وقف یعنی ایجاد سازوکاری که در آن ظرفیت‌های پراکنده مردم، خیرین، نخبگان، کسب و کارها، گروه‌های محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد، دانشگاه‌ها، مساجد، هیئت‌ها، خانواده‌ها و حتی ایرانیان خارج از کشور، در قالب پروژه‌های مشخص و قابل‌سنجش به کار گرفته شود. بنابراین، مسئله اصلی در توسعه وقف، صرفاً افزایش تعداد موقوفات نیست؛ بلکه افزایش کیفیت حکمرانی وقف، ارتقای اعتماد عمومی، جهت‌دهی وقف به مسائل اولویت‌دار جامعه و طراحی ابزارهای متنوع برای مشارکت گروه‌های مختلف مردم است.

۱. ضرورت بازتعریف مشارکت مردمی در وقف

در الگوی سنتی، مشارکت مردم در وقف غالباً به این معنا فهم می‌شد که فردی دارای مال یا دارایی مشخص، آن را برای هدفی مذهبی، آموزشی، درمانی یا خیریه وقف کند. این برداشت اگرچه همچنان معتبر و ارزشمند است، اما برای شرایط امروز جامعه کافی نیست. جامعه معاصر با مسائل پیچیده‌تری مانند فقر شهری، بیکاری جوانان، بحران مسکن، سالمندی جمعیت، آسیب‌های اجتماعی، نابرابری آموزشی، محرومیت درمانی، کمبود زیرساخت‌های محلی، بحران محیط زیست و نیازهای نوین فرهنگی مواجه است. حل این مسائل نیازمند وقف‌های بزرگ، تخصصی، شبکه‌ای، فناورانه و مشارکتی است.

در چنین شرایطی، مشارکت مردمی باید از سطح «اهدای دارایی» به سطح «مشارکت در حل مسئله» ارتقا یابد. به بیان دیگر، مردم باید احساس کنند وقف فقط انتقال مالکیت نیست، بلکه مشارکت در ساخت آینده جامعه است. این تغییر نگاه باعث می‌شود وقف از یک رفتار فردی و گاه مناسبتی، به یک کنش اجتماعی مستمر و برنامه‌محور تبدیل شود. الگوی جدید باید سه نوع مشارکت را هم‌زمان فعال کند: نخست، مشارکت مالی و دارایی محور؛ یعنی وقف پول، ملک، سهام، تجهیزات، زمین، حق انتفاع یا منابع مالی خرد و کلان. دوم، مشارکت دانشی و تخصصی؛ یعنی حضور متخصصان حقوقی، مالی، مدیریتی، فنی، آموزشی، پزشکی، رسانه‌ای و فناوری در طراحی، اداره و ارزیابی موقوفات. سوم، مشارکت اجتماعی و نظارتی؛ یعنی حضور مردم در شناسایی نیازها، پیشنهاد پروژه‌ها، ارزیابی عملکرد و مطالبه شفافیت از نهادهای متولی وقف. ترکیب این سه سطح، وقف را از نهادی صرفاً خیریه‌ای به نهادی توسعه‌گرا و اجتماعی تبدیل می‌کند.

۲. اصول بنیادین الگوی مشارکت مردمی در وقف

الگوی مطلوب مشارکت های مردمی برای توسعه وقف باید بر چند اصل اساسی استوار باشد.

نخستین اصل، اعتماد عمومی است. وقف نهادی مبتنی بر اعتماد است؛ زیرا واقف یا مشارکت کننده، دارایی یا منبع خود را برای هدفی عمومی واگذار می کند و انتظار دارد آن منبع دقیقاً مطابق نیت اعلام شده، با کارآمدی و امانت داری مصرف شود. اگر اعتماد عمومی آسیب ببیند، حتی وجود انگیزه های دینی و اخلاقی نیز برای گسترش وقف کافی نخواهد بود. بنابراین گزارش دهی منظم، انتشار عملکرد موقوفات، امکان نظارت اجتماعی و برخورد با ناکارآمدی ها، پیش شرط اصلی توسعه مشارکت مردمی است.

دومین اصل، مسئله محوری است. وقف باید از حالت کلی، پراکنده و بعضاً تکراری خارج شود و به سمت حل مسائل واقعی جامعه حرکت کند. برای مثال، اگر در منطقه ای مسئله اصلی کمبود امکانات آموزشی است، وقف باید به سمت مدرسه، مهارت آموزی، بورسیه تحصیلی، تجهیز کتابخانه یا آموزش دیجیتال هدایت شود. اگر در منطقه ای مسئله اصلی درمان است، وقف باید به سمت کلینیک، دارو، تجهیزات پزشکی، حمایت از بیماران خاص یا بیمه درمانی محرومان حرکت کند. مسئله محوری باعث می شود مردم اثر وقف را لمس کنند و انگیزه مشارکت افزایش یابد.

سومین اصل، تنوع ابزارهای مشارکت است. همه مردم توان وقف ملک یا دارایی بزرگ ندارند. اما بسیاری از مردم می توانند در وقف خرد، وقف جمعی، وقف زمانی، وقف مهارت، وقف سهام، وقف دانش، وقف تجهیزات، وقف دیجیتال یا وقف مشارکتی حضور داشته باشند. اگر وقف تنها به دارایی های بزرگ محدود شود، بخش وسیعی از جامعه از مشارکت کنار گذاشته می شود. بنابراین، توسعه وقف نیازمند ابزارهایی است که امکان مشارکت طبقات متوسط، جوانان، کارآفرینان، متخصصان، کارکنان، دانشجویان و حتی خانواده های کم درآمد را نیز فراهم کند.

چهارمین اصل، حکمرانی مشارکتی است. در حکمرانی مشارکتی، تصمیم گیری درباره اولویت ها، طراحی پروژه ها، تخصیص منابع و ارزیابی آثار، صرفاً در اختیار نهادهای رسمی نیست، بلکه ذی نفعان محلی و اجتماعی نیز در فرایند تصمیم سازی نقش دارند. این رویکرد موجب می شود وقف با نیازهای واقعی مردم هماهنگ تر شود، خطای تصمیم گیری کاهش یابد و حس مالکیت اجتماعی نسبت به موقوفات افزایش پیدا کند.

پنجمین اصل، پایداری اقتصادی موقوفات است. وقف اگرچه انگیزه ای خیرخواهانه دارد، اما برای ماندگاری نیازمند منطبق اقتصادی و مدیریتی دقیق است. بسیاری از موقوفات اگر درست اداره نشوند، به تدریج فرسوده، کم بازده یا بی اثر می شوند. بنابراین، مشارکت مردم باید با مدیریت حرفه ای دارایی، سرمایه گذاری مطمئن، نگهداشت اموال، بهره وری اقتصادی و طراحی مدل درآمدی پایدار همراه شود.

۳. ابعاد اصلی الگوی مشارکت مردمی در توسعه وقف

الگوی پیشنهادی را می توان در پنج بُعد اصلی تحلیل کرد: بعد نهادی، بعد اجتماعی، بعد اقتصادی، بعد فناورانه و بعد فرهنگی.

الف) بعد نهادی

در بعد نهادی، مسئله اصلی آن است که چه ساختارهایی باید ایجاد شود تا مشارکت مردم در وقف تسهیل، هدایت و پایدار شود. نهاد متولی وقف باید از نقش صرفاً اداری و ثبتی فاصله بگیرد و به نقش تسهیل گر، تنظیم گر، ناظر و توسعه دهنده اکوسیستم وقف تبدیل شود. این یعنی سازمان وقف و نهادهای مرتبط باید بسترهایی فراهم کنند که مردم بتوانند به راحتی نیازها را بشناسند، پروژه ها را انتخاب کنند، منابع خود را تخصیص دهند و گزارش عملکرد دریافت کنند.

در این بعد، ایجاد «شورای مشارکت مردمی وقف» در سطح محلی، شهرستانی و استانی اهمیت دارد. این شوراهای می توانند متشکل از معتمدان محلی، خیرین، نمایندگان نهادهای دینی، کارشناسان اقتصادی، متخصصان حقوقی، نمایندگان جوانان، بانوان، دانشگاهیان و سازمان های مردم نهاد باشند. وظیفه این شوراهای شناسایی نیازهای اولویت دار، پیشنهاد پروژه های وقفی، کمک به جلب مشارکت مردم و نظارت اجتماعی بر اجرای پروژه هاست.

همچنین لازم است نظام ثبت، طبقه بندی و مدیریت موقوفات به روز شود. بسیاری از موقوفات قدیمی ممکن است کارکرد گذشته خود را از دست داده باشند یا بازده اقتصادی پایینی داشته باشند. در الگوی جدید، باید امکان بازآفرینی کارکردی موقوفات، افزایش بهره وری اموال وقفی و تطبیق منافع وقف با نیازهای جدید جامعه فراهم شود؛ البته بدون خدشه به نیت واقف و موازین شرعی و حقوقی وقف.

ب) بعد اجتماعی

در بعد اجتماعی، هدف اصلی تبدیل وقف به یک جریان عمومی و مشارکتی است. برای این کار باید گروه های مختلف جامعه احساس کنند که وقف متعلق به آنان است و صرفاً در اختیار گروه محدودی از خیرین ثروتمند یا نهادهای رسمی نیست. وقف باید به زبان نسل جدید، طبقه متوسط، فعالان اجتماعی، کارآفرینان، زنان، جوانان و متخصصان بازترجمه شود.

یکی از راهکارهای مهم، توسعه «وقف جمعی» است. در وقف جمعی، تعداد زیادی از افراد با سهم های کوچک در ایجاد یک موقوفه یا اجرای یک پروژه وقفی مشارکت می کنند. برای مثال، هزاران نفر می توانند با پرداخت مبالغ کوچک در ساخت یک مرکز درمانی، مدرسه، صندوق بورسیه، مرکز مهارت آموزی یا حمایت از بیماران خاص مشارکت کنند. این مدل هم امکان مشارکت عمومی را افزایش می دهد و هم حس تعلق اجتماعی نسبت به پروژه ایجاد می کند.

بعد اجتماعی همچنین نیازمند تقویت نقش گروه های محلی است. مردم هر منطقه بهتر از نهادهای مرکزی می دانند که نیازهای اصلی جامعه محلی چیست. بنابراین، توسعه وقف باید از پایین به بالا نیز طراحی شود. مساجد، مدارس، شوراهای محلی، هیئت های مذهبی، کانون های فرهنگی، انجمن های خیریه و گروه های داوطلب می توانند به حلقه های واسط میان مردم و نظام وقف تبدیل شوند.

ج) بعد اقتصادی

در بعد اقتصادی، وقف باید به عنوان نهادی برای تجهیز و تخصیص منابع پایدار اجتماعی دیده شود. بسیاری از مشکلات بخش وقف ناشی از آن است که دارایی های وقفی به درستی مولدسازی نمی شوند. اگر موقوفات فاقد مدیریت اقتصادی حرفه ای باشند، نه تنها توان حل مسائل اجتماعی را از دست می دهند، بلکه ممکن است به دارایی هایی را که کم بازده تبدیل شوند.

در الگوی مشارکت مردمی، باید ابزارهای مالی جدید برای وقف طراحی شود. برای نمونه، صندوق های وقفی، اوراق وقفی، وقف سهام، وقف درآمد دارایی، وقف حق انتفاع، وقف مشارکتی پروژه محور و وقف مبتنی بر مسئولیت اجتماعی شرکت ها می توانند ظرفیت های جدیدی ایجاد کنند. همچنین شرکت ها و بنگاه های اقتصادی می توانند بخشی از برنامه مسئولیت اجتماعی خود را در قالب وقف های هدفمند تعریف کنند؛ مانند وقف برای مهارت آموزی جوانان، حمایت از نوآوری اجتماعی، توسعه مدارس فنی، تأمین تجهیزات درمانی یا حمایت از محیط زیست.

یکی از نکات مهم در بعد اقتصادی، تفکیک میان «اصل سرمایه وقفی» و «منافع قابل مصرف» است. اصل وقف باید حفظ شود و منافع آن به صورت پایدار در مسیر نیت واقف مصرف شود. این منطبق، وقف را به نهادی متفاوت از کمک های خیریه مقطعی تبدیل می کند. بنابراین، مدیریت اقتصادی موقوفات باید بر حفظ ارزش دارایی، افزایش بازدهی، کاهش ریسک و استمرار منفعت عمومی متمرکز باشد.

د) بعد فناورانه

فناوری می تواند یکی از مهم ترین پیشران های توسعه مشارکت مردمی در وقف باشد. بسیاری از مردم به دلیل نبود اطلاعات کافی، پیچیدگی فرایندها، بی اطلاعی از پروژه های موجود یا نبود امکان پیگیری، وارد عرصه وقف نمی شوند. ایجاد پلتفرم های دیجیتال وقف می تواند این مانع را تا حد زیادی برطرف کند.

یک پلتفرم جامع وقف باید چند قابلیت اصلی داشته باشد: معرفی پروژه های وقفی فعال، نمایش نیازهای اولویت دار، امکان مشارکت مالی خرد و کلان، ارائه گزارش پیشرفت پروژه، انتشار گزارش مالی، نمایش آثار اجتماعی، امکان انتخاب حوزه مورد علاقه مشارکت کننده، ثبت نیت واقف، ارائه مشاوره حقوقی و شرعی، و امکان پیگیری مستمر نتیجه مشارکت. چنین بستری می تواند فاصله مردم با وقف را کاهش دهد و مشارکت را ساده، شفاف و قابل اعتماد کند.

همچنین استفاده از فناوری های داده محور می تواند به شناسایی نیازهای واقعی جامعه کمک کند. برای مثال، داده های مربوط به فقر، آموزش، سلامت، بیکاری، آسیب های اجتماعی و محرومیت منطقه ای می تواند مبنای طراحی پروژه های وقفی قرار گیرد. در این صورت، وقف از حالت احساسی و پراکنده به سمت تصمیم گیری مبتنی بر داده حرکت می کند.

ه) بعد فرهنگی

وقف پیش از آنکه یک ابزار مالی باشد، یک فرهنگ است. بنابراین، توسعه وقف نیازمند بازسازی روایت فرهنگی آن است. در روایت سنتی، وقف بیشتر با ثواب اخروی، باقیات صالحات و خدمت به خلق شناخته می شود. این مفاهیم همچنان بسیار مهم اند، اما برای نسل جدید باید با مفاهیمی مانند اثر اجتماعی، عدالت، مسئولیت پذیری، توسعه محلی، میراث گذاری اجتماعی، آینده سازی و حل مسئله عمومی پیوند بخورند.

رسانه ها، مدارس، دانشگاه ها، خانواده ها، مساجد و نهادهای فرهنگی باید وقف را به عنوان الگویی برای مشارکت در ساخت جامعه معرفی کنند. اگر مردم ببینند که وقف می تواند مدرسه بسازد، شغل ایجاد کند، بیمار را درمان کند، از محیط زیست حفاظت کند، مهارت آموزی را گسترش دهد و فرصت های برابر ایجاد کند، نگاه آنان به وقف عمیق تر و امروزی تر خواهد شد.

فرهنگ سازی باید از تبلیغ عمومی فراتر رود و به تجربه زیسته مردم متصل شود. مردم زمانی به وقف علاقه مند می شوند که اثر آن را در زندگی خود، محله خود، شهر خود یا گروه های آسیب پذیر جامعه ببینند. بنابراین، نمایش داستان های موفق وقف، معرفی واقفان نوآور، روایت پروژه های اثرگذار و ارائه گزارش های انسانی از نتایج وقف، نقش بسیار مهمی در گسترش مشارکت دارد.

۴. سازوکارهای اجرایی برای توسعه مشارکت مردمی در وقف

برای عملیاتی سازی این الگو، چند سازوکار اجرایی ضروری است.

نخست، باید «نقشه نیازهای وقفی» در سطح ملی، استانی و محلی تدوین شود. این نقشه مشخص می کند که هر منطقه در چه حوزه هایی نیاز بیشتری به وقف دارد؛ آموزش، درمان، مسکن، اشتغال، فرهنگ، محیط زیست، حمایت از سالمندان، کودکان بی سرپرست یا زنان سرپرست خانوار. وجود چنین نقشه ای باعث می شود واقفان و مشارکت کنندگان بتوانند منابع خود را هدفمندتر تخصیص دهند.

دوم، باید نظام «پروژه های آماده مشارکت» طراحی شود. بسیاری از مردم تمایل به مشارکت دارند، اما نمی دانند در چه پروژه ای و با چه سازوکاری وارد شوند. اگر پروژه ها به صورت شفاف، با هدف، بودجه، زمان بندی، مجری، شاخص های عملکرد و گزارش دهی مشخص ارائه شوند، مشارکت مردم افزایش می یابد.

سوم، باید «نظام شفافیت و گزارش دهی وقف» تقویت شود. هر پروژه وقفی باید گزارش مالی، گزارش پیشرفت و گزارش اثر اجتماعی داشته باشد. مردم باید بدانند منابع آنان چگونه مصرف شده و چه نتیجه ای ایجاد کرده است. این شفافیت، سرمایه اجتماعی وقف را افزایش می دهد.

چهارم، باید امکان «وقف خرد و تدریجی» فراهم شود. بسیاری از مردم نمی توانند دارایی بزرگی وقف کنند، اما می توانند ماهانه یا سالانه مبلغی کوچک در یک صندوق وقفی یا پروژه مشخص مشارکت کنند. این مدل، وقف را از انحصار دارایی های بزرگ خارج کرده و آن را مردمی تر می کند.

پنجم، باید «مشارکت تخصصی» به رسمیت شناخته شود. وکیل، حسابدار، پزشک، مهندس، معلم، طراح، برنامه نویس، مشاور مدیریتی و کارشناس رسانه می توانند بخشی از زمان و تخصص خود را وقف کنند. این نوع وقف می تواند برای اداره حرفه ای تر موقوفات بسیار مؤثر باشد.

ششم، باید «ارتباط وقف با کسب و کارها» تقویت شود. بنگاه های اقتصادی می توانند در قالب وقف شرکتی، صندوق های وقفی، حمایت از پروژه های محلی یا وقف بخشی از درآمد، در توسعه اجتماعی مشارکت کنند. این رویکرد به ویژه برای شرکت هایی که به دنبال مسئولیت اجتماعی معتبر و پایدار هستند، اهمیت زیادی دارد.

۵. چالش های اصلی الگوی مشارکت مردمی در وقف

با وجود ظرفیت های فراوان، توسعه مشارکت مردمی در وقف با چالش هایی جدی روبه روست. نخستین چالش پیچیدگی های حقوقی و اداری وقف است. بسیاری از افراد به دلیل ناآشنایی با فرایندهای حقوقی، نگرانی از بروکراسی یا ابهام در آینده دارایی وقفی، از ورود به این حوزه خودداری می کنند. بنابراین، ساده سازی فرایندها و ارائه مشاوره تخصصی ضروری است.

چالش دوم، ضعف نوآوری در ابزارهای وقف است. اگر وقف فقط به شکل سنتی ملک و زمین تعریف شود، ظرفیت عظیم منابع خرد، سهام، دارایی های فکری، مهارت ها و مشارکت دیجیتال از دست می رود.

چالش سوم، نبود نظام سنجش اثر اجتماعی است. بسیاری از موقوفات فعالیت می کنند، اما مشخص نیست چه میزان فقر را کاهش داده اند، چه تعداد دانش آموز را حمایت کرده اند، چه میزان اشتغال ایجاد کرده اند یا چه اثری بر کیفیت زندگی جامعه

محلی داشته اند. بدون سنجش اثر، وقف نمی تواند به نهادی نتیجه محور تبدیل شود.

الگوی مشارکت های مردمی برای توسعه بخش وقف باید بر پایه اعتماد، شفافیت، مسئله محوری، تنوع ابزارها، حکمرانی مشارکتی و مدیریت حرفه ای دارایی های وقفی طراحی شود. در این الگو، مردم صرفاً تأمین کننده منابع نیستند؛ بلکه شریک توسعه وقف اند. آنان می توانند در شناسایی مسائل، طراحی پروژه ها، تأمین منابع، نظارت، ارزیابی و فرهنگ سازی نقش آفرینی کنند.

توسعه وقف در شرایط امروز نیازمند عبور از نگاه سنتی و محدود به سمت رویکردی نوین، اجتماعی، فناورانه و توسعه گراست. وقف باید بتواند به مسائل واقعی جامعه پاسخ دهد و در حوزه هایی مانند آموزش، سلامت، اشتغال، فقرزدایی، مسکن، محیط زیست، فرهنگ و توانمندسازی اجتماعی اثر ملموس ایجاد کند. این امر تنها زمانی محقق می شود که نظام وقف بتواند اعتماد عمومی را بازسازی کند، ابزارهای مشارکت را متنوع سازد، فرآیندها را ساده کند، گزارش دهی شفاف ارائه دهد و از ظرفیت نهادهای محلی، متخصصان، خیرین، شرکت ها و نسل جوان بهره بگیرد.

در نهایت، وقف اگر با مشارکت مردمی و حکمرانی حرفه ای پیوند بخورد، می تواند به یکی از مهم ترین نهادهای اقتصاد اجتماعی در ایران تبدیل شود؛ نهادی که هم ریشه در سنت دینی و فرهنگی دارد و هم ظرفیت پاسخ گویی به نیازهای پیچیده جامعه معاصر را داراست. چنین الگویی می تواند وقف را از یک رفتار خیرخواهانه فردی به یک نظام پایدار مشارکت اجتماعی برای توسعه عمومی تبدیل کند.
خبرگزاری مهر